

# اسلام و عقل

## نزاع اندیشه‌ها

دکتر مالک شبل، مؤلف کتاب حاضر، متولد کشور الجزایر و مقیم فرانسه است. وی متخصص در حوزه تاریخ اسلام و انسان‌شناسی و هم‌اکنون مدرس دانشگاه سوربون در این حوزه‌هاست. شبل صاحب آثار متعددی است که از شمار آنها می‌توان به اینها اشاره کرد: *دانشنامه عشق در اسلام* (۱۹۹۰)، *شکل‌گیری هویت سیاسی* (۱۹۹۷)، *شخصیت انسانی در اسلام* (۲۰۰۲)، و *مغازشی از اسلام روشنفکر* (۲۰۰۴).

شبل می‌گوید که موضوع کتابش در این نکته خلاصه می‌شود که تاریخ اسلامی همچنان تجارب زنده و نوآوری که «راه را به سوی افق‌های جدید باز کرده و تأثیرات بنیادی در حیات عربی ایجاد نمود»، حفظ می‌کند. اما، به اعتقاد وی، امروز چه کسی این تجارب را مورد توجه قرار می‌دهد و چه کسانی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علما، متألهان و فیلسوفانی را که به شرایط و دنیای عصر خود تعلق دارند و آن را به عقلانیت روشنگرانهای مجهز کرده‌اند، احیا می‌کند؟

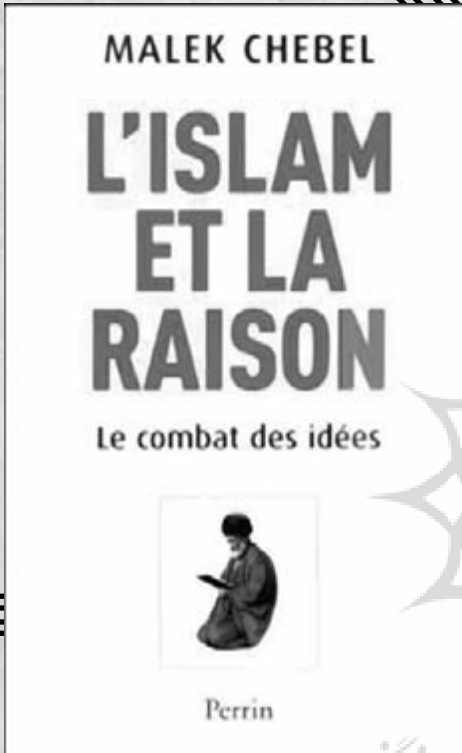
از زمان بسته‌شدن باب اجتهاد، سقوط بغداد و انقراض تمدن اندلس، مسلمانان و عرب در بحران تاریخی مستمری قرار گرفته‌اند که جز بازگشت به میراث فکری روشنگر و به‌کارگیری عقل در حل کردن مسائل شرایط معاصر، راه دیگری وجود ندارد، آنچنان‌که پیشینیان در روزگار خود عمل کردند. مؤلف که بر رابطه میان عقل و اسلام تأکید می‌کند، امری که تفسیرگر فتوحات معرفتی و ترقی فرهنگی مشهود مسلمانان و عرب است، به

معتزله به‌مثابه جنبش فلسفی عقل‌گرایی می‌پردازد که راه را برای مناظرات در قرن هشتم و نهم میلادی گشود؛ طوری که این جنبش دارای پیامدهای آشکاری بر «ادبیات، سیاست و اخلاق» بود. و به‌رغم این که جنبش‌هایی در مخالفت با آن ظهور کرد، شکل‌گیری این جنبش نشان داد که درهای سرزمین اسلامی به روی آرای مخالف، آزادی رأی، و حفظ جایگاه اندیشمندان روشنفکر در جامعه اسلامی باز است. مؤلف درباره تأثیرات این جنبش معتقد است که اگرچه جنبش معتزله بعد از مأمون و معتصم، خلفای عباسی، زیر فشارهای مخالفان رو به افول نهاد، اما به گفته برخی از مورخان مسلمان، تأثیر آن همچنان در قرن دهم در سرزمین‌هایی همانند سوریه، مصر، مغرب و اندلس حفظ شد.

مؤلف در فصل سوم به متکلمان به‌مثابه «جنبش متألّهان مسلمان»، که در حقیقت پایه اصلی فقه اسلامی و شریعت را تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. و به اعتقاد وی، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری - بنیانگذار علم کلام - در این جنبش جایگاه نخست را دارد. شیل در ادامه اشاره می‌کند که در میان جنبش‌های فکری که اسلام در طول تاریخ به خود دیده است، غزالی «در قرن یازدهم میلادی به احیای تفکر اسلامی و مصالحه میان دو جریان مهم؛ یعنی اهل سنت و صوفیه همت گماشت». در واقع غزالی برای «آشتی دادن مسلمانان با خودشان» تلاش کرد، در حالی که بعد از او ابن‌رشد برای «مصالحه مسلمانان با فرهنگ عقل‌گرایی یونانی» تلاش کرد.

دکتر مالک شیل در فصل چهارم درباره جنبش فکری دیگری در اسلام به نام اخوان الصفا، که برای احیای تفکر در جهان تلاش کردند، بحث می‌کند. جنبش اخوان الصفا زمانی ظهور کرد که جنبش معتزله در حال خاموش شدن بود و مدارس فقهی معروف جعفری، مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی گسترش می‌یافت. در این دوره با بسته شدن درهای اجتهاد دیگر شرایط مناسبی برای شکل‌گیری مناظرات فلسفی وجود نداشت و شرایط برای اظهارنظرهای «تدوینگران» در عرصه‌های مختلف مهیا شد. مؤلف متذکر می‌شود که *رساله* اخوان الصفا تلاش نخستین در اسلام نبود، بلکه پیش از آنان نیز دانشمندانی، از جمله ابوموسی جابر بن حیان در قرن هشتم، به گردآوری علوم زمان خودشان در قالب دانش نامه پرداختند. همچنان که ابوبکر زکریای رازی، ملقب به جالینوس عرب یا طبیب مسلمانان، دانش نامه‌ای تألیف کرد که اخوان الصفا در زمان خود برای نگارش *رساله* خود از آن بهره بردند و در قرن شانزدهم نیز به زبان لاتینی ترجمه شد. اما *رساله* اخوان الصفا، به‌استثنای برخی از واژگان حوزه صنعت و فنون، بررسی روشمند یا ساده‌شده علوم مختلف و گردآمدن گروهی از متخصصان برای تألیف آن در حوزه‌های مختلف از جمله ریاضیات، طب، فلسفه، متافیزیک، علوم طبیعی، تصوف، تربیت، کشاورزی، اخلاق، تکنولوژی، و ... به شمار می‌رود. به اعتقاد مالک شیل، تألیف این اثر نشان‌دهنده گسترش و توسعه علوم و معارف، علاقه عقل و فکر متمدن عربی برای درک و فراگیری علوم مختلف و تلاش برای رسیدن به آن و توسعه و ترویج آن، با احترام گذاشتن به عقاید دینی مختلف، است.

فصل پنجم کتاب با عنوان «روح قرطبه» به بررسی اندیشه‌ها و تأثیر این‌رشد اختصاص دارد. مؤلف در این فصل اشاره می‌کند که این‌رشد در حوزه الهیات، فلسفه، فقه و علوم دیگر تبخّر داشت و صاحب آثاری در این حوزه‌هاست. وی روشنفکر بزرگی بود که کتابخانه‌اش شامل بزرگ‌ترین تألیفات یونانی ترجمه شده به عربی، تألیفات هندی و فارسی، تفاسیر متعدد قرآن، مجموعه آثار احادیث نبوی (ص)، و شعر عربی قبل از اسلام بود. چراکه به میانه نخبگان فرهنگی عربی - اسلامی تعلق داشت. این‌رشد در خانواده‌ای از طبقه قضات به دنیا آمد و از



اسلام و عقل؛ نزاع اندیشه‌ها، مالک شیل، پاریس: تمپوس، ۲۰۰۶.

همین‌روی صاحب کرسی قاضی القضاات شد، اما به طور جدی به فلسفه و طب همت گماشت. به اعتقاد مؤلف، این روح معرفتی روشنگر که به تسامح، تعامل و رابطه میان اندیشه‌ها و فرهنگ-های گوناگون و افراد و گروه‌های مختلف-مسلمان یا مسیحی یا یهود- متصف بود و پروژه معرفتی- فرهنگی ویژگی مشترک آن می‌باشد، همان چیزی است که مؤلف از آن با عنوان «روح قرطبه» یاد می‌کند.

به باور مالک شبل غالباً چیزی که تا امروز مورد غفلت و فراموشی واقع شده این است که تمدن اسلامی- عربی حلقه اصلی و تداوم‌یافته میان «جهان قدیم و جهان جدید»، «یونان قدیم و رنسانس اروپا»، و «الهیات، عقل و علم» بوده است و بر اساس نظر روزه آرنالدز، اندیشمند و اسلام‌شناس فرانسوی، علمای مسلمان- اندلسی برای کامل کردن علوم بشری عصر خود در فضایی با «گرایش انسانی اسلامی» تلاش می‌کردند. واقعیت این است که اگر به تألیفات ابن رشد در تمام عرصه‌ها نظری بیفکنیم، می‌توانیم بگوییم که وی در عصر خود مؤسس یک «بنیاد فکری» بوده است، قبل از این که ابن‌خلدون و میراث معنوی اندلس بیاید که البته اثر برجسته وی، مقدمه نیز دانش نامه جدیدی از معارف و علوم عصر خود محسوب می‌شد و ابن‌خلدون در آن پایه‌گذار علم جدیدی به نام علم تاریخ شد و دروازه‌ها را به روی علوم جدید همانند علم سیاست، جامعه‌شناسی و اقتصاد گشود.

مؤلف در فصل هشتم، «علم و علما»، به شکوفایی علوم نقلی و وضعی می‌پردازد. به نظر وی دانشمندان این حوزه‌ها نه به منظور شرح دستاوردهای تمدن‌های دیگر، بلکه برای به پیش‌راندن فتوحات عقل بشری دلباخته این علوم شدند. وی اضافه می‌کند که اگر در عصری که بغداد مرکز فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌آمد، از قرن نهم تا دهم میلادی، بیشتر از تمام دستاوردهای تاریخ بشری دستاورد داشت، روح قرطبه نیز به نوبه خود در گشوده شدن

درهای جهان اسلام به روی اکتشافات علمی نقش داشت. همچنان‌که در کنار عقل فلسفی، عقل تجربی نیز در تمام عرصه‌ها متولد شد و جریان توسعه معارف و علوم مختلف بشری در سرزمین اسلامی برای انتقال و تداوم راه آن شکل گرفت، بدون اینکه نظارت و سانسوری بر آن حاکم باشد یا از نشر آن جلوگیری شود. شاید به تعبیر امروزی‌تر بتوان گفت که فضای مدنی بازی در عرصه اندیشه و علم به‌وجود آمد که زمینه‌ساز شکل‌گیری پروژه ترقی و شکوفایی عربی- اسلامی شد، قبل از اینکه موانع و حصارها بر آن سیطره یابد و گرایش دینی محافظه‌کارانه مستولی شود. همه اینها موجب شکل‌گیری مدرنیسم در تاریخ اسلامی شد، مدرنیسمی که شکوفا گردید و در آن همه از جمله طبقه اشرافیان و سرمایه‌داران روشنفکر برای حمایت و ترقی علم و معرفت و تألیف و نشر کتاب نقش داشتند. همچنان‌که این مدرنیسم در سایه همت و تلاش علما و فلاسفه و حتی متأللهانی به بار نشست که برای حل مشکلات عصر خود و کامل شدن معرفت بشری تمام توان خود را به کار گرفتند. از سوی دیگر این فرآیند فقط به خانواده معنوی، فقهی و فلسفی مسلمانان منحصر نبود، زیرا اکثریت‌ها و اقلیت‌ها در سرزمین اسلامی از آن حمایت کردند، امری که به روشنی بر این نکته دلالت دارد که دین اسلام با توجه به تنوع‌پذیری‌اش، درونش مهبای فتوحات علمی و معرفتی و پیشرفت بشری بوده است.

مترجم: علی‌محمدی

### پی‌نوشت:

1. *L'islam et la raison, le combat des idées*, Malek chebel, Tempus, Paris, 2006.